

بگیرد، فردی است که در کارش یک تفکر دارد. از آن مهم‌تر، دلشوره مردم و کشور همیشه همراه اوست. بیش از این که به امنیتی بودن این شخصیت فکر کنم، داشتن مسئله و دغدغه و این که اهل شعار نیست، برای من جذاب بود.

در این سال‌ها بحث فرهنگ‌سازی پاره‌ها در رسانه‌ها تکرار شده است؛ به گونه‌ای که حداقل برای من بیشتر شبیه به یک طنز است. چند روز پیش با یکی از دوستان در ستاد مبارزه با مواد مخدر صحبت می‌کردم. به او گفتم از شما گلایه دارم چون این همه همایش سمینار و سخنرانی برگزار می‌کنید در حالی که باید وارد حیطه عمل شود.

باید با زبان خود مردم با آن‌ها صحبت کرد. تعارف که نداریم، اوضاع اقتصادی بخش عظیمی از جامعه ما خوب نیست. پدر خانواده باید همواره دغدغه‌تلمین ملی خانواده‌اش را داشته باشد و فرصت نمی‌کند که به فرزندان از لحاظ تربیتی و روحی رسیدگی کند. آموزش و پرورش ما هم از این حیث ضعیف است؛ البته این یک زنجیره به هم پیوسته است. وقتی ما نتوانیم معلمان را از لحاظ اقتصادی تأمین کنیم طبیعی است که آن‌ها هم نمی‌توانند تشاط و تفکر را به فرزندان مامنتقل کنند. این عدم آموزش، تداومش حامی و بی‌علاقگی در بین دانش‌آموزان به صورت متقابل از مدرسه به خانواده و از خانواده به مدرسه منتقل می‌شود. حال چه کنیم؟ آیا باید دست روی دست گذاشت و همه چیز را رها کرد؟

خانواده یا مدرسه به تنهایی نمی‌تواند این مسئولیت بزرگ را تقبل کند. در نتیجه توجواتن و جواتان ما یا ورود به جامعه به طعمه‌های مناسب برای پاندهای توزیع مواد مخدر بدل می‌شوند. ما هر سال مقادیر بسیار زیادی کشفیات مواد مخدر داریم که اما می‌شوند و از این بابت خوشحال هستیم، در حالی که این قطره‌ای از دریاست؛ اکنون مواد مخدر صنعتی به راحتی در جامعه توزیع می‌شود که خطر آن بسیار بیشتر از گوت‌های قدیم است. در یک از دیالوگ‌های سریال هم گفتم که زمانی یا تشنگی و خماری مواجه بودیم اما الان یا مرگ و خودکشی طرف هستیم.

این سریال هم به هر حال تمام می‌شود و فضایی که الان در پاره آن شکل گرفته احتمالاً فراموش خواهد شد. اگر قرار باشد تنها یک اثر سرگرم‌کننده و آکشن بینیم و اثری نداشته باشد که قاید‌های تدارد، من تحلیلگر اجتماعی نیستم اما کاش این سریال که حاصل زحمات یک گروه پر تعداد است برای متولیان و سیاست‌گذاران ما یک تلنگر باشد.

برقراری تعادل میان اقتدار و تسلط از یک سو و دلسوزی و دغدغه را چطور در نقش پررنگ کردید؟

تکته‌ای که شما اشاره کردید به بحث فنی بازیگری یا بازیگردان‌گری یا تکنیک‌های ایشنلسد و یک شخصیت هم از تیپ‌ها قرار کند می‌تواند نقش‌آزاده کند. «سکندر» در فیلم «دونل» یا نقش من در «ترور خاموش» کاملاً متفاوت است یا نقش «شهید نغلاچی» در فیلم «حج» یک شناسنامه متفاوت دارد.

ما در یک فیلم یا سریال تیپ نمی‌سازیم، بلکه شخصیت را بازی می‌کنیم. بهره‌ر از سال‌ها تجربه بازیگری به شما این تفکر را می‌دهد که شخصیت را بشناسی و در درون خود پیرو راتی. البته هم‌فکری و صحبت با کارگردان هم مهم است. ضمن این که شما وقتی پیش از آغاز بازی، سناریو را به دقت می‌خوانید و نقش را با او پایین می‌کنید این شناخت که می‌شنی بر تجربه است تکمیل می‌شود. می‌توانم بگویم نقش من در سریال «ترور خاموش» حاصل تجربه و تکنیک است.

خوب بود. تیم بازیگران، فیلمبردار، صداب‌دار و عوامل فنی و اوقات‌های بودند. آقای ابوالفضل صفری هم یک تهیه‌کننده جوان و پای کار است و واقعا به فکر عوامل بود. در «ترور خاموش»، نقش کم و زیاد نداشتم، بلکه مجموعه‌ای بود که اجزای آن همدیگر را کلمل می‌کردند.

در دو هفته‌ای که این مجموعه از تلویزیون پخش شد، باز خورد مخاطبان را چگونه دیدید؟

خوش‌سختانه «ترور خاموش» در بین مردم هم مورد استقبال قرار گرفته است. من به خاطر مشغله کاری، تمام قسمت‌های پخش شده را ندیدم اما آن بخش‌هایی را که دیده‌ام احساس می‌کند که برای مخاطبان واقعا جذاب است. هفته گذشته برای دیدن بازی تیم‌های پرسپولیس و استقلال به استادیوم رفته بودم. مردم مثل همیشه به من لطف داشتند و از سریال و نقش من می‌گفتند. جالب بود که برخی از این جوان‌ها می‌گفتند خوب شد که این بازی در ساعتی برگزار شد که بتوانیم برای دیدن سریال به خانه برسیم. این برای من به عنوان بازیگر، جذاب است و خستگی را از تنم در می‌آورد.

وضعیت سریال‌سازی در تلویزیون را چگونه می‌بینید؟

پیش از این هم گفتم، ما در تلویزیون یا می‌توانیم سریال مواجه هستیم. اصلا دلیل وجود تدارد که هر شبکه ما حتما یک مجموعه تلویزیونی داشته باشد. باید برای تلویزیون، سریال بسازیم اما سریال خوب بسازیم! ما از نظر کارگردان و متن و بازیگران توانمند، کمبود چندانی نداریم اما اگر بودجه و تدارکات فنی نداشته باشیم، مطمئن باشید که کار خوب و ماندگاری نخواهد داشت. مجبور می‌شوید از ایده‌آل‌های خودتان بگذرید و کار را تقلیل دهید. نتیجه هم می‌شود یک قصه معمولی و چهار تا آدم خسته و لوکیشن‌های تکراری. حتی اگر متن خوبی هم باشد کار به هدر می‌رود.

من امسال چهار فیلمنامه خیلی خوب از لحاظ محتوایی را قبول نکردم چون مشخص بود که مشکل مالی دارند. مسئله فقط هم‌راهی من به عنوان بازیگر نیست که مثلاً بخواهم دستمزد کمتری بگیرم؛ شما وقتی بودجه تدارید، می‌خواهید پاری به هر جهت پیش بروید. وقتی در سناریو آمده که در یک سکانس دو تا ماشین باید به هم بخورند، پس باید مقدمات یک صحنه قلیل‌بلور را فراهم کنید و می‌توان به پدیده کمبود بودجه از کار پزتید. یا تکیه بر سال‌ها تجربه، به مدیران تلویزیون پیشنهاد می‌کنم بودجه سه یا چهار سریال را تجمیع کرده و اثری تولید کنند که ماندگار باشد. من گاهی کارهایی را می‌بینم که مشخص است بدون در نظر گرفتن این موضوع ساخته شده و مخاطب هم آن را پس خواهد زد. در نتیجه هم خستگی بر تن عوامل می‌ماند و هم وقت افراد و بودجه عمومی هدر می‌رود.

پس از خواندن فیلمنامه، برداشت شما از شخصیت «سعید صفایی» به عنوان یک تیروی امنیتی چگونه بود؟

من اصلا این شخصیت را تیروی امنیتی را نمی‌دانم. او یک استاد دانشگاه است که و رای نظریه‌پردازی و شعار، حل‌آسیب‌های اجتماعی برایش مسئله است. همسرش هم که استاد دانشگاه بوده چنین تفکری داشته و حالا دخترش هم در همین عرصه فعالیت می‌کند. یعنی موضوع مبارزه با مواد مخدر برای او خانواده‌اش، مسئله است.

شخصیتی که من ایفاگر نقش او هستم عمرش را برای برقراری امنیت گذاشته تا جلوی گوشه‌ای از تخریب مواد مخدر که جوانان ما را تشنه کرده است



سعیدراد

از «ترور خاموش» به «صبا» می‌گوید

یک تلنگر!

سعید مرتضی حسینی

گفت و گو

سعید راد بازیگر شناخته‌شده و باتجربه‌ای است که در سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ با بازی در فیلم‌هایی همچون «صادق کرده»، «هنگام»، «سفر سنگ» و «خدا حافظ رقیق» به چهره‌ای محبوب تبدیل شد. پس از انقلاب نیز با ایفای نقش در آثار «همچون خط قرمز»، «پرزخی‌ها»، «دادشاه» و «عقاب‌ها» از معدود ستاره‌های تیمه اول دهه ۶۰ در سینمای ایران بود. با این حال پس از بازی در «عقاب‌ها» از ایران رفت و دو دهه بعد با حضور در فیلم «دونل» بازگشتی باشکوه به سینمای ایران داشت. این حضور در یک دهه اخیر با فیلم‌هایی همچون «گیرنده»، «پایان خدمت»، «حج» و «پروانگی» ادامه یافت. با این حال سعید راد در تلویزیون بسیار گزیده کار است. اغلب بینندگان او را با نقش «ر قاشاه» در سریال «در چشم یاد» مسعود جعفری جوزانی می‌شناسند که با بازی استادانه این بازیگر پیشکسوت در خاطر‌ها ماندگار شد. سعید راد این شب‌ها با سریال «ترور خاموش» و در نقش «سعید صفایی» یک تیروی امنیتی که در دانشگاه تدریس می‌کند، مهمان خانه‌های مردم است. هر چند خود او این شخصیت را یک تیروی امنیتی ندانسته و بر خصلت علمی و دغدغه‌های اجتماعی‌اش تأکید می‌کند.



ما در یک فیلم یا سریال

تیپ نمی‌سازیم، بلکه

شخصیت را بازی می‌کنیم.

بهره‌ر دن از سال‌ها تجربه

بازیگری به شما این تفکر

را می‌دهد که شخصیت را

بشناسی و در درون خود

پیرو رانی، البته هم‌فکری

و صحبت با کارگردان هم

مهم است. ضمن این که

شما وقتی پیش از آغاز

بازی، سناریو را به دقت

می‌خوانید و نقش را بالا و

پایین می‌کنید این شناخت

که مبتنی بر تجربه است

تکمیل می‌شود.